

شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی در شعر خاقانی و ناصر خسرو

موسی پرنیان

استادیار دانشگاه رازی

شمسی رضایی

دانش آموخته کارشناسی ارشد

(از ص ۴۱ تا ۶۶)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۶/۰۴

چکیده:

شاعران و سخنوران از دیر باز برای بیان اندیشه‌ها، مقاصد و دست‌آورد‌های فکری خود، از علوم و دانش‌های مختلف بشری بهره‌جسته‌اند؛ از جمله دست‌به‌دامان عناصر طبیعی و فراطبیعی شده و از این میان، نام مکان‌ها و اعلام جغرافیایی یکی از منابع آفرینش هنری سخن‌پردازان بوده است. شاعران و ادیبان عهده‌های پیشین که ما از آنان به نام سرآمدان ادبیات کلاسیک یاد می‌کنیم، برای آنکه سخن خود را بیارایند و کلام ادبی بیافرینند، با بهره‌گیری از اعلام جغرافیایی، صور مختلف خیال را به کار گرفته‌اند و همواره دانش جغرافی و شناخت اقالیم، کشورها، شهرها، کوه‌ها، رودها و مکان‌های مشهور نظیر کاخ‌ها و اماکن زیارتی را همچون سایر علوم و معارف بشری، در سروده‌های خود گنجانده‌اند. این تصویرآفرینی با اعلام جغرافیایی، علاوه بر کمک به پیشرفت دانش جغرافیا، به فهم و درک بیشتر مخاطبان کمک می‌کند. این مقاله با هدف بررسی و تحلیل مضمون‌سازی هنری با اعلام جغرافیایی در شعر ناصر خسرو، نماینده سبک خراسانی و خاقانی، نماینده سبک عراقی، به منظور نشان دادن تحول مضمون‌سازی با اعلام جغرافیایی و بسامد صنایع ادبی با اعلام جغرافیایی در این دو سبک نگاشته شده است. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش تجزیه و تحلیل، موضوع مورد نظر بررسی شده است و نمونه‌هایی از ابیات مضمون‌سازی شده با اعلام جغرافیایی در شعر ناصر خسرو و خاقانی گردآوری شده و سپس به دسته‌بندی و مقایسه و تجزیه و تحلیل پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: اعلام جغرافیایی، سبک، شگرد، ناصر خسرو و خاقانی.

مقدمه

ادبیات ایران زمین از آغازین زمان شکل‌گیری خود، همواره بستری دل‌انگیز و شیوا برای بیان موضوعات، مفاهیم و پدیده‌های پیرامونش بوده است. ادیب فارسی زبان بنا بر آنچه از فرهنگ و دین و تمدن و تفکر و اندیشه‌اش آموخته و از محیط اطرافش برداشت نموده و از نوع نگاهش به جهان ادراک کرده، تراوش‌های اندیشه‌ی باریک بینش را در قالب سخنان خوش تراش و متین و آراسته بیان نموده است. سخن‌گویان و سخن‌سرایان این فرهنگ و تمدن دیرین و پر بار در آثار خود اغلب با الهام گرفتن از عالم خارج، عالمی دیگر آفریده‌اند. عالمی که در آن همه چیز سخن می‌گوید و رنگ و شکل و اندازه و ویژگی‌هایی دارد.

خیال‌پردازان عرصه شعر و ادب به شیوه‌های گوناگون از این اصطلاحات و اعلام در بیان مضامین و مفاهیم شعری بهره‌جسته‌اند. البته این به‌کارگیری اعلام جغرافیایی در شعر دوره‌های مختلف سبکی، یکسان نیست. معمولاً در سبک خراسانی به جنبه‌های ظاهری و ویژگی‌های محسوس اعلام توجه می‌شود و دو طرف ترکیبات ساخته شده اغلب محسوس می‌باشد. زیرا شعر سبک خراسانی بیشتر برون‌گرا و آفاقی است. اما در سبک عراقی معمولاً یک یا دو سوی تشبیه یا ترکیب، عقلی و معنوی است و به جنبه‌های معنوی بیشتر توجه می‌شود. در سبک هندی اعلام بکار گرفته شده بیشتر کلی است و کمتر با نام اعلام روبرو می‌شویم.

در این مقاله با بررسی ابیاتی از دیوان ناصر خسرو، به عنوان نماینده‌ای از شعر سبک خراسانی و نیز نمونه‌هایی از شعر خاقانی، به عنوان نماینده‌ای از سبک عراقی، سعی شده است تا نحوه به‌کارگیری اعلام جغرافیایی در آفرینش مضامین و تصویر سازی در شعر این دو شاعر نشان داده شود و با استخراج جداول و نمودارها، مقایسه‌ای بین سبک خراسانی و سبک عراقی، از این دیدگاه صورت گیرد.

نمادین شدن برخی از اعلام جغرافیایی:

برخی از اعلام جغرافیایی در شعر فارسی به صورت «نماد» به کار گرفته شده‌اند. به عنوان مثال «روم» نماد و مظهر «سفیدی و روشنایی» و «حبش و زنگار و هند» نماد «تیرگی و سیاهی» بوده است:

خورشید روم پرور و ماه حبش نگار سابه نشین به ساحت طوبی نشان اوست
(خاقانی)

شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی در شعر خاقانی و ناصر خسرو / ۴۳

غمی که چون سپه زنگ ملک دل بگرفت
ز خیل شادی روم رخت زداید باز
(حافظ)

چو اندر هوا شب عَلم برگشاد
شد آن روی رومیش زنگی نژاد
(فردوسی)

چین در اشعار فارسی معمولاً نماد رنگارنگی و تلون و سازنده تصویرهای زیبا و داشتن
مشک بوده است. همچنین نماد عالم مادی در مقابل عالم معنوی تصور شده است:

هر کو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز
نقشش به حرام ار خود صورتگر چین باشد
(حافظ)

تو بت چرا به معلم روی که بتگر چین
به چین زلف تو آید به بتگری آموخت
(سعدی)

کعبه نماد «مراد و مقصود» است و جوینده آن را قبله‌گاه خود ساخته و در کوشش برای
رسیدن به آن می‌پوید:

تو کعبه مقصودی عیبی نبود بر من
گر رو به تو آوردم یا گرد تو گردیدم
(جامی)

مصر نماد آبادانی و بهره‌مندی از دانش بوده است و نیل نماد کرم و بزرگواری:

آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد
و آن نیل مکرمت که شنیدی سراب شد
(خاقانی)

برخی اعلام جغرافیایی برای ایجاد تصویرهای شاعرانه بکار گرفته شده و تشبیهات و
استعارات خیال انگیز زیبا با آنها آفریده شده است:

تف تیغش از هند شب کرد بوم
کند باز قندیل رهبان به روم
(گرشاسب نامه)

ای بخارا شاد باش و دیر زی
میر زی تو شادمان آید همی
(رودکی)

گاهی با بهره‌گیری از اعلام جغرافیایی ایهام‌های زیبایی آفریده شده:

دیگران با همه کس دست در آغوش کنند
ما که بر سفره خاصیم به یغما نرویم
(سعدی)

جگر چون نافه‌ام خون گشت کم زینم نمی‌باید
جزای آنکه با زلفت سخن از چین خطا گفتیم
(حافظ)

همچنین در گستره شعر و ادب فارسی با استفاده از اعلام جغرافیایی ترکیبات زیبایی

آفریده شده که علاوه بر زیبایی لفظی و معنوی هر کدام دارای بار فرهنگی خاصی می‌باشد و در بردارنده مفاهیم، ویژگی‌ها، رویدادها و جریان‌های فرهنگی و تاریخی در آن سرزمین‌هاست. از آن جمله است:

جادوی بابل - هند شب - عقیق یمانی - مشک خرخیز - زبان عسکر - نقش چین -
بتان چگل - بتکده فرخار - لعبتان قندهار - سواران چگل - کمان بابلیان - کعبه فضل -
تیغ یمانی - لؤلؤ عمان - کارگاه شُشتر - سهیل یمن - مسجد اقصای دل - هند معنی -
دماوند حلم - ترکستان عارض - خیبر ستم - کعبه علوم - عسکر هُنر - شُشتر سخا -
جادوی بابل - زمزم لطف - کعبه صفا - مصر عشق - جگرگاه بیستون و ...

در دیوان شاعران عرب هم استفاده گوناگون از اعلام جغرافیایی در مضمون پردازی و ترکیب سازی و تصاویر شاعرانه مرسوم بوده است. چنانکه نویسنده کتاب ((ثمار القلوب فی المضافات و المنسوب)) فهرست نسبتاً کاملی از این اصطلاحات را گرد آوری و شرح کرده است، از جمله: سحره الهند، سکر الاهواز، صوفیه الدینور، لعل بدخشان، مناره الاسکندریه. از آن جایی که گستردگی این مضامین به حدی است که در این مقاله نمی‌توان به ذکر همه موارد آن پرداخت لذا به عنوان نمونه به ذکر ابیاتی از ناصر خسرو، نماینده‌ای از سبک خراسانی، و خاقانی، نماینده‌ای از سبک عراقی، که در کاربرد اعلام جغرافیایی در تصویرسازی برجسته‌ترند، بسنده می‌شود.

صور خیال در شعر ناصر خسرو: ناصر خسرو در زمانی می‌زیسته که هنوز نظم و نثر سادگی خود را داشته است زیرا قرن‌های بعد در نتیجه وارد شدن الفاظ و ترکیبات عربی نظم و نثر سادگی خود را از دست داد. از میان صنایع و آرایه‌های ادبی، ناصر خسرو صنایع معنوی مانند انواع تشبیه، توصیف، استعاره و کنایه را بسیار به کار برده است، تعداد تشبیهات او اندکی بیشتر از استعاره‌هایش است و تشبیهات حسی و مفصل و مرکب استفاده کرده است و در بسیاری موارد مشبه در شعر او مجرد و ذهنی است. صنایع لفظی نیز در حد متعارف شاعران قرن پنجم در شعرش هست و از میان آنها به انواع جناس به ویژه جناس تام و بعضی تکرارها دلبستگی بیشتری دارد. (محقق، ۱۳۶۸: ۳۸۴)

اینک نمونه‌هایی از شعر ناصر خسرو که در آنها، اعلام جغرافیایی در آفرینش صورخیال به کاررفته است:

- ایمنی و بیم دنیا همبر یکدیگرند ریگ آموی است بیم و ایمنی رود قرب

(ناصرخسرو: ۹۷/۲۴)

لف و نشر - تشبیه

- درش دشت محشر تنش کان گوهر
دلش بحر اخضر، کفش نهر کوثر
(همان: ۳۰۸/۸۰)

تشبیه

- خزینة علم فرقانست، اگر نه بر هوایی تو
که بردت پس هوای جز هوا زی شعر اهوازی؟
(همان: ۱۲۸/۱۹)

جناس

- کان هر دو فریشته به فعل خویش
آویخته مانده‌اند در بابل
(همان: ۲۷۱/۳۰)

تلمیح

- چون زرّ مزور نگر آن لعل بدخشیش
چون چادر گازر نگر آن بُرد یمانیس
(همان: ۲۹۵/۶)

تشبیه - مراعات نظیر

- سودی نکند حسرت و تیمار چو افتاد
بیمار به سامرّه و درمان به بدخشی
(همان: ۴۸۶/۶۸)

مضمون سازی - کنایه - مراعات نظیر

- هر یک به یکی راه دگر کرد اشارت
این سوی ختن خواند مرا آن سوی بربر
(همان: ۵۰۸/۳۸)

کنایه - مراعات نظیر

- نیک نگه کن گر استوار نداری
شخص چو نالم که بود چون گه برپل
(همان: ۳۴۱/۵)

تشبیه - اغراق

- دشوار شود بانگ تو از خانه به دهلیز
و آسان شود آواز وی از بلخ به بلغار
(همان: ۱۶۴/۱۳)

کنایه - مراعات نظیر

- ازیرا تو به بلخ چون بهشتی
وزینم من به یمگان مانده مسجون
(همان: ۱۴۵/۳۷)

تشبیه

- تو پیکویی از آن باشد مقام لعل در پیکو
تو ویرانی از آن آمد مقام گنج در ویران
(همان: ۳۶۲)

ردالعجز علی الصدر - تشبیه

- مشک تبتی به پشک مفروش
مستان بدل شکر تبرزین
(همان: ۵۱/۳۷)

استعاره - کنایه

- بینی آن باد که گویی دم یارستی
یاش مر تبت و خرخیز گذارستی
(همان: ۳۲۵ / ۱)

تشبیه

- نجنبد ز جای، ای پسر، چون درخت
به باد سحر گاه کوه ثبیر
(همان: ۴۰۲/۴۱)

کنایه - تشبیه

- ای پسر بنگر به چشم دل در این زرین سپر
کو ز جابلقا سحرگه قصد جابلسا کند
(همان: ۳۸۹ / ۳۸)

جناس - تشخیص

- زنده به آب خدای خواهی گشتن
نه تو به جیحون مرده نه به سیحون
(همان: ۹/۲۷)

مضمون سازی - جناس - مراعات نظیر

- بحرست علم را به مثل فرقان
- جیحون خوش است و بامزه و دریا
- ای علم جوی، روی به جیحون نه
وز بحر علم امام چون جیحونست
از ناخوشی چو زهر و چو طاعونست
گر جانت بر هلاک نطه مفتون است
(همان: ۳۷، ۳۸، ۳۹/۲۵۷)

تشبیه - استعاره

- گر بر این آب تو را تشنگی باشد
منت جیحونم و تو بر لب جیحونی
(همان: ۳۶۸/۳۱)

تشبیه

- هر شب ز خونت چون بخورد لختی
چیزی نمائی از همه جیحونی
(همان: ۳۸۱/۲۲)

مضمون سازی - تشبیه

- مر طلب دین حق را به حقیقت
پاک دلی باید و فراخ چو جیحون
(همان: ۴۹۱/۳۹)

تشبیه

- از حرص به وقت چاشت چون کرکس
در چاچ و به وقت شام در شامی
(همان: ۳۷/۱۱)

کنایه - مراعات نظیر - جناس

- از چاشت تا به شام ترا نیست ایمنی
گر مر تراست مملکت از چاچ تا به شام
(همان: ۵۷/۱۸)

کنایه - مراعات نظیر - جناس

- سنگ تو از گشت چرخ گشت چو گل
کی نگرد سوی تو کنون چگلی ؟
- تا که چو گل بر بدیدت آن چگلی
هیچ نبودش گمان که تو زگلی
(همان: ۲۸۷/۹، ۸)

جناس

- خراسان چو بازار چین کرده ام من
به تصنیف‌های چو دیبای چینی
(همان: ۱۷/۳۴)

تشبیه

- وان عارض چون حریر چینی
گشته ست به فام زرد و پرچین
(همان: ۵۰/۶)

تشبیه - جناس

- پر از چین زلف و رخ پرنور گفتی
نشینندی مشاطه چینیان
(همان: ۲۱۶/۵)

جناس

- طلب علمت فرمود رسول خدا
گر سفر باید کردن به مثل تا چین
- سوی چین دین من راه بیاموزم
مر ترا گر نکنی روی چنین پرچین

- آل یاسین مر چین را دومین چین است
- چین تو ظاهر و ماچین بمثل باطن
تو به چین دومین شو نه بدان پیشین
تو به چین بودی و مانده ست ترا ماچین
(همان: ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸/۲۸۳)

تلمیح - جناس - تشبیه - استعاره - تکرار

شاه حبش چون تو بود گر کند
شمشیر از صبح و سنان از شهاب
(همان: ۱۴۰/۱۴)

استعاره - تشبیه

- بی حکمت نیست برتر و بهتر
ترک از حبشی و تازی از هندو
(همان: ۱۶۴/۳۱)

مراعات نظیر

- برمفرش پیروزه به شب شاه حبش را
آسوده و پاکیزه بلورست اوانش
(همان: ۲۹۵/۹)

استعاره

- سلام کن ز من ای باد مر خراسان را
مر اهل فضل و هنر را نه عام نادان را
(همان: ۱۱۶/۱)

تشخیص

- خاک خراسان شود از خون دل
زیر بر دشمن جاهل خضاب
(همان: ۱۴۱/۳۳)

اغراق - تشبیه

- که پرسد زین غریب خوار محزون
خراسان را که بی من حال تو چون؟
(همان: ۱۴۴/۱)

تشخیص

- وز خوب غلامان همه خراسان
چون بتکده هند و چین ستانست
(همان: ۱۹۱/۳۴)

تشبیه - مراعات نظیر

- اگر خاک خراسانت نپذیرفت مخور غم
خشنودی ایزدت به از خاک خراسان
(همان: ۴۸۷/۸۶)

تشخیص - ردالعجز علی الصدر

- بخاصه تو ای نحس خاک خراسان

پر از مار و کژدم یکی پارگینی

(همان: ۱۶/۲۴)

تشخیص - تشبیه

- ملک سلیمان اگر خراسان بود

چون که کنون ملک دیو ملعون شد

(همان: ۷۹/۱۸)

تشبیه

- خاک خراسان بخورد مر دین را

دین به خراسان قرین قارون شد

(همان: ۷۹/۱۹)

تشخیص - تلمیح

- نه در پر و منقار رنگین سرشته

چو گل مشک خرخیز و تاتار دارد

(همان: ۳۷۴ / ۱۵)

استعاره

- بشنو ز نظام قول حجت

این محکم شعر چون خورنق

(همان: ۴۵۱ / ۲۱)

تشبیه

- حیدر که زو رسید و زفخر او

از قیروان به چین خبر خیبر

(همان: ۴۷/۶۸)

مراعات نظیر - جناس

- ز بیدادی سمر گشته ست ضحاک

که گویند اوست در بند دماوند

(همان: ۱۸۴/۱۴)

مضمون سازی - تلمیح

- به پیغمبر عرب یکسر مشرف گشت بر مردم

ز ترک و روم و روس و هند و سند و گیلی و دیلم

(همان: ۸۱/۱۸)

مراعات نظیر

- وز بهر خز و بز و خورش های چرب و نرم

گاهی به بحر رومی و گاهی به کوه غور

(همان: ۳۴۹/۱۲)

مضمون سازی

- دیبه رومیست سخن‌های او
گر سخن شهره کسای کساست
(همان: ۱۰۱/۶۸)

تشبیه

- وین که همی بر کتف شاخ گل
باد بیفشاند رومی قباش
(همان: ۴۲۲/۱۲)

استعاره

- و آشفته بدو سپاری و برکه
شاهنشہ ری کنی غلامش را
(همان: ۴۲۹/۱۹)

تشبیه

- دهن خشک ماند به گاه نظر
اگر در دهانش نهی رود زم
(همان: ۶۳/۳۴)

اغراق

- تو را فردا ندارد سود آب روی دنیایی
اگر بر رویت ای نادان برانی آب رود زم
(همان: ۸۲/۳۲)

مضمون سازی - اغراق

- از لشکر زنگیش رخ روز مقیر
وز لشکر رومیش شب تیره مقمر
(همان: ۱۳۳/۵۶)

استعاره - تضاد

- تو چو یکی زنگی ناخوب و پیر
دخترکان تو همه خوب و شاد
(همان: ۱۴۰/۴)

تشبیه

- شاه رومی چون هزیمت شد ز ما
شاه زنگی کینه خواهد آختن
(همان: ۱۵۹/۷)

استعاره - تضاد

- یکی گند پیرست شب زشت و زنگی
که زاید همی خوب رومی غلامی
(همان: ۲۱۵/۳)

تشبیه - استعاره - تضاد

- هزیمت شطد همانا خیل بلبل
 - مرا از خواب نوشین دوش بجهاند
 - ز بیم زنگیان بی زبانت
 - سحرگاهان یکی زین زنگیانت
- (همان: ۱۳، ۱۲/۲۱۷)

استعاره

- آمد از مشرق سپاه شاه زنگ
 - چون شه رومی فرو شد سوی شام
- (همان: ۲/۳۶۳)

استعاره - تضاد

- آن روز هیچ حکم نباشد مگر به عدل
 - ایزد سدوم را نسپرده ست حاکمی
- (همان: ۳۵/۴۵۹)

تلمیح - تمثیل

- پندی به مزه چو قند بشنو
 - بی عیب چو پاره سمرقند
- (همان: ۹/۲۳)

تشبیه - جناس

- شام کنی طمع چو گیری عراق
 - مصرت پیش است چو رفتی به شام
- (همان: ۲۴/۳۹۱)

کنایه - مراعات نظیر - ردالعجز علی الصدر

- ور به مال اندر بودی هنر و فضل و خطر
 - کوه شنغان ملکی بودی بیدار و بصیر
- (همان: ۳/۲۱۸)

تشبیه

- باغی که بُد از برف چو گنجینه ندّاف
 - بنگرش به دیبای مخلّق شده چون شوش
- (همان: ۵/۴۱۳)

تشبیه

- چو برگ او به زینت دیبای شوستر نیست
 - آهنگ این شجر کن گر سرت پر بטר نیست
- (همان: ۲۰/۱۵۵)

مضمون سازی - تشبیه

- زیرا که بر پلاس نه خوب آید
 - بردوخته ز شوشتی پاره
- (همان: ۶/۲۹۷)

کنایه

- بر بسته گل از ششتری سبز نقابی
و آلوده به کافور و به شنگرف بناگوش
(همان: ۴۱۳/۷)

استعاره

- صندوقچه عدل تو مانده ست به طرطوس
دستارچه جور تو در پیش کنارست
(همان: ۸۶/۷)

کنایه

- چون نیست زکان علت مقصود پس ای دوست
چه مگه و چه کعبه و چه طوس و چه طرطوس
(همان: ۵۲۶/۷)

مراعات نظیر - جناس

- چون شکر عسکری آور سخن
شاید اگر تو نبوی عسکری
(همان: ۵۶/۴۴)

تشبیه - جناس

- ز گفتار خیر و به دیدار حق
زبان عسکر و چشمه‌ها شوش کن
(همان: ۵۲۲/۶)

استعاره

- گفتار، محمد رسول الله
و اندر دل، کینه چون گه قارن
(همان: ۳۲۸/۳۱)

کنایه - تشبیه

- نیکو نگر درین که نکو ناید
از کوه قاف جغدی را بالین
(همان: ۸۹/۲۱)

کنایه

- آخر به قهر او خبرم داد هم چنین
از مکر او بزرگ حکیمی به قاهره
(همان: ۲۶۹/۳۱)

جناس اشتقاق

- آن موی قیرگونت چو روز سپید گشت
از بس که روزهاش فرو شد به قیروان
(همان: ۵۰۰/۲۰)

شبه اشتقاق - کنایه

- وقت آن آمد که روز کین چو خاک کربلا
آب را در دجله از خون عدو احمر کنی
(همان: ۴۳/۴۵۵)

تشبیه

- نکند با سفها مرد سخن ضایع
نان جو را که دهد زیره کرمانی
(همان: ۱۶/۴۳۶)

کنایه - تمثیل

- شهر گرگان نماند با گرگین
نه نشابور ماند با شاپور
(همان: ۱۰/۷۶)

مراعات نظیر - جناس

- چه چیزند با کوه علمم کنون
حکیمان یونان؟ صغار التلال
(همان: ۲۳/۲۵۱)

صور خیال در شعر خاقانی: «زبان شعری خاقانی مبتنی بر لغت سازی و ترکیب سازی و تعبیرات بدیع و به کار بردن مفاهیم مجازی و کنایی فراوان است آن چنان که می توان گفت که خاقانی از این جهت بر اکثر شاعران فارسی زبان مزیت دارد.» (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۱۹۹) «در شعر خاقانی تشبیه و به خصوص استعاره فراوان است در تشبیهات و استعارات او ملموس و ذهنی هردو دخیل است. بسیاری از تشبیهات و استعارات و کنایه های خاقانی تازه و بدیع و زیباست و بیانگر قوه تخیل اوست.» (همان، ۲۰۳) نظیر هند معنی، چین صورت، مصری مار، هندی اژدها، جیحون هنر و ... اینک نمونه هایی از شعر خاقانی که در آنها، اعلام جغرافیایی در آفرینش صورخیال به کاررفته است:

من همی در هند معنی راست همچون آهنم
وین خران در چین صورت گوژ چون مردم گیا
(خاقانی: ۱۸)

تشبیه

تا خلق را ز خلق و دو دستش سه قله هست
بحرین دو قله نیست بر اخضر سخاش
(همان: ۵۰)

تشبیه - تلمیح - مراعات نظیر

نکته حور است یا صفای صفاهان

جبهت جوزاست یا لقای صفاهان

(همان: ۳۵۳)

ترصیع - تجاهل العارف

اوست فریدون ظفر بل که دماوند حلم

عالم ضحاک فعل بسته چاهش سزد

(همان: ۵۲۰)

تشبیه - تشخیص

هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان

ایوان مداین را آیینۀ عبرت دان

(همان: ۳۵۸)

تشبیه

ای رایت شه نادره لرزانی و قائم

بحر عدنی گویی یا کوه صفایی

(همان: ۴۳۷)

تجاهل العارف - تشبیه

وین پرده گر نه بحر محیط است پس چرا

اصداف ملک را گهر اندر نهران اوست

(همان: ۷۳)

تشبیه

کوه را چون سفینه بشکافد

موج دریای اخضر تیغش

(همان: ۴۸۷)

تشبیه

گرچه هست اول بدخشان بد

به نتیجه نکوترین گهر است

(همان: ۶۸)

مضمون سازی

خورده یک دریای بصره تا خط بغداد جام

پس پیایی دجله‌ای در جرعه‌دان افشاندند

(همان: ۱۰۵)

ایهام تناسب - مراعات نظیر - استعاره

به دل دریای بصره است و به کف دجله و زین هردو

کند تبریز را بغداد عزالدین بوعمارن

(همان: ۹۱۵)

تشبیه - مراعات نظیر

عدلش بدان سامان شده که اقلیمها یکسان شده
سنقر به هندوستان شده، طوطی به بلغار آمده
(همان: ۳۹۱)

مراعات نظیر - کنایه

ای که هر دم از تبتِ خُلقت
صد شتر بار مشک در سفرند
(همان: ۸۵۰)

تشبیه

گرد ترکستان عارض صف زده
آن سپاه هندوان بدرود باد
(همان: ۷۷۰)

تشبیه - استعاره

چون تو خاقان ترکستان طبع
مه رخی با مهر عذرای فرست
(همان: ۸۲۶)

تشبیه

کشتی سلجوقیان بر جودی عدل ایستاد
تا صواعق بار طوفانش ز خنجر ساختند
(همان: ۱۱۴)

تشبیه

خسرو چین از افق آینه چین نمود
ز آینه چرخ رفت زنگ شه زنگبار
(همان: ۱۸۲)

استعاره - تضاد

بدین دو خادم چالاک رومی و حبشی
درم خرید دو خاتون خرگه سنجاب
(همان: ۵۲/۵۶)

استعاره - تضاد

روز و شب را که به اصل از حبش و روم آرند
پیش خاتون عرب جوهر لالا بینند
(همان: ۹۸)

تضاد - لف و نشر

عمان و محیط و نیل و جیحون
هرهشت بر سخا و حلمش
جودی و حرا و قاف و تهلان
با جدول و خردلند یکسان
(همان: ۳۴۸، ۳۴۷)

تشبیه - مراعات نظیر - اعداد

تا ری از رای او چو بغداد است

از عزیزی به کرخ ماند خوار

(همان: ۲۰۵)

تشبیه - ایهام تضاد - جناس - مراعات نظیر

ای چراغ یزیدیان که دلت

چون علی خبیر ستم بشکافت

(همان: ۴۷۰)

مضمون سازی - تشبیه

اهل عراق در عرقند از حدیث تو

شروان به نام تست شرفوان و خیروان

(همان: ۳۳۲)

ایهام تناسب - جناس

شاه سلاطین فرزند خسرو شروان که چرخ

خواند به دوران او شروان را خیروان

(همان: ۳۳۲)

ایهام تضاد

یک ره ز ره دجله منزل به مداین کن

وز دیده دوم دجله بر خاک مداین ران

(همان: ۳۵۸)

جناس - استعاره

تو بخششی نموده به بغداد کز سخات

بر دجله هفت دجله دیگر روان شده

(همان: ۴۰۱)

اغراق

از سحاب فضل و اشک حاج و آب شعر من

برکه‌ها را برکه‌های بحر عمان دیده‌اند

(همان: ۹۲)

اغراق

دین ور نه و ریاضت کرده به دینور

کیش مغان و دعوت خورده به دامغان

(همان: ۳۱۴)

مراعات نظیر - جناس

زیر این رویین دژ زنگار خورد

هر سحرگه هفتخوان خواهم گزید

(همان: ۱۷۰)

استعاره - تلمیح

رویین دژ آز را گشادم

آوازه هفتخوان شکستم

(همان: ۱۷۰)

تلمیح - تشبیه

حبشی زلف یمانی رخ و زنگی خال است

که چو ترکانش تتق رومی خضرا بینند

(همان: ۹۸)

مراعات نظیر - تشبیه

درست گویی صدر الزمان سلیمان بود

صبا چو هدهد و محنت سرای من چو سبا

(همان: ۲۹)

جناس - مراعات نظیر - تشبیه

نی مصریش قند می زاید

تا سمرقند قند او سمر است

(همان: ۸۵)

تشخیص - جناس

سومناتِ ظلم را محمود وار

برق زد تا ابرسان آمد به رزم

(همان: ۴۹۵)

تشبیه

ای عراق الله جارك نیک مشعوفم به تو

وی خراسان عمرک الله سخت مشتاقم تو را

(همان: ۲)

تشخیص

طبع کافی که عسکر هنر است

چون نی عسکری همه شکر است

(همان: ۸۵)

تشبیه

از ششترِ سخا چو طرازِ شرف دهی

از عسکرِ سخنِ شکرِ آفرین خوری

(همان: ۹۳۴)

تشبیه

آن همه یک دو سه دیر غم دان

نه سدیر است و نه غمدان چه کنم

(همان: ۲۵۴)

جناس

تو قاهر مصر و چاوش را

بر قاهره قهرمان ببینم

(همان: ۲۷۱)

واج آرایی - جناس - شبه اشتقاق

سوخت شب مشک رنگ ز آتش خورشید و برد

نکته باد سحر قیمت عود قمار

(همان: ۱۸۲)

تشبیه - تضاد

گر سوی قندز مژگان نرسد آتل اشک

راه آتل سوی قندز به خزر بگشایید

(همان: ۱۵۹)

تشبیه

چون به آمل رخ آمل به گرگان آرم

یوسف دل نه به گرگان به خراسان یابم

(همان: ۲۹۷)

مراعات نظیر - جناس - تلمیح - ایهام

مقصد آمل به آمل شناس

یوسف گم کرده به گرگان طلب

(همان: ۷۴۴)

جناس - تلمیح - استعاره - ایهام

خاک ابهر نور پاک ابهر است

یار «لا اقسام» به خاک ابهر است

هفت اندام زمین زنده بماند

کابهرش حبل الوریث و ابهر است

خواستم گفتم سقی الله ابهرا

نیست حاجت کاب ابهر کوثر است

تا کنون از قدس خاک اولیا

گفتم ابهر بین که شام اصغر است

(همان: ۸۴۵)

التزام - جناس - تشخیص - تشبیه

چون نوبت نبوت او در عرب زدند

از جودی و احد صلوات آمدش ندا

(همان: ۱۷)

مراعات نظیر - تشخیص

اثیر است و اخضر به بزم تو امشب

یکی تف منقل، یکی موج ساغر

(همان: ۸۸۲)

تشبیه - لف و نشر

و اینک بین بحیره ارجیش قطره‌ای است
از موج بحر در یتیم آور سخاش
(همان: ۲۳۱)

تشبیه - اغراق

بحر ارجیش را به معنی آب
غرقه بحر خاطر داند
(همان: ۸۸۱)

تشبیه - اغراق

شدم به آتش هجران زدم بر آب ارس
ارس بنالید از درد حال و قصه من
(همان: ۹۱۲)

ردالصدر علی العجز - تشخیص

مرکب همت بتز، یک ره و بیرون جهان
از سر طاق فلک تا محل استوا
(همان: ۳۵)

اغراق

از نهیب این چنین سد کوست فتح الباب فتح
سد باب الباب لرزان شدبه زلزال فنا
(همان: ۲۱)

تشخیص

در بابل سخن منم استاد سحر تازه
کز ساحران عهد کهن همبری ندارم
(همان: ۲۸۳)

تلمیح - تشبیه

خاک درت جیحون هنر، شروان سمرقند دگر
خاک شماخی از خطر آب بخارا ریخته
(همان: ۳۸۲)

تشبیه - کنایه

هوا پشت سنجاب بلغار گردد
شمر سینه باز خزران نماید
(همان: ۱۳۰)

تشبیه

صد ناف مشک دادمش از تبت ضمیر
گر یک بخور یافتم از مجمر سخاش
(همان: ۲۳۴)

تشبیه

خاقانی و خاقان و کنار گُر و تفلیس
جیحون شده آب گُر و تفلیس، سمرقند
(همان: ۷۵۹)

تشبیه

شراری جهد ز آهن نعل اسبش
که حراقش ارونند و تهلان نماید
(همان: ۱۳۲)

اغراق - تشبیه

پیش آن بادپرستان به شکوه
کوه تهلان شوم انشالله
(همان: ۴۰۵)

تشبیه

به شام یا به خراسان به مصر یا توران
به روم یا حبشستان به هند یا سقلاب
(همان: ۳۵۴)

مراعات نظیر - اعداد

رای به ری چیست؟ خیز جای به جی جوی
کانکه ری او داشت، داشت رای صفاهان
(همان: ۳۵۴)

جناس - واج آرایبی

بل که تا زآن عزیز، ری مصرست
خوار صد قاهره است و قاهره صد خوار
(همان: ۲۰۶)

مراعات نظیر - ایهام تضاد - تلمیح - تشبیه

خامه سگ دامغان، دانه دام مغان
وزوگرهای من، طبع خز ف سان او
(همان: ۳۶۶)

جناس - استعاره

بالله که خاک در بند آنک به کعبه ماند
ها بوقبیس بالا زمزم بدامن اندر
(همان: ۱۸۷)

تشبیه

دشت موقف را لباس از جوهر جان دیده‌اند
کوه رحمت را اساس از گوهرکان دیده‌اند
(همان: ۹۳)

تشبیه - استعاره - لف و نشر - تضاد

تبریز شد ز تربت او روضه السلام
(همان: ۳۰۲)

تب ریزهای بدعت تبریز برگرفت

جناس - تشبیه - ایهام

هر روز سفندیار مهمان نرسد
(همان: ۷۱۹)

هرشب طلب وصل که رویین دژ را

تلمیح - مضمون سازی

کوز شرف کعبه وار قطب کمالست
(همان: ۸۴۴)

قلبه اقبال قلّه سبلان دان

تشبیه - جناس - واج آرایی - جناس

چون بنگری به صورت سنجار به که سنجر
(همان: ۱۸۹)

سنجر بمرد و یحک و سنجار ماند آنک

جناس

نزند لاف سنجر از سنجار
(همان: ۱۹۹)

نکند یاد عاقل از مولد

جناس

شروان به فرش از حرم امسال در گذشت
(همان: ۸۴۶)

گر شابران بهشت ارم شد به عقل او

تشبیه - اغراق

کاغد شامی است صبح خامه مصری شهاب
(همان: ۴۷)

شاه عراقین طراز کز پی توقیع او

استعاره - تشبیه - مراعات نظیر

شماخی نظیر صفاهان نماید
(همان: ۱۳۱)

ز گلشکر لفظ و تفاح خلش

تشبیه

بیت المقدس است شماخی از اقتدار
(همان: ۱۷۷)

شهر سباست خطه دربند از احتشام

تشبیه

قلعه گلستان شه، قلّه بوقبیس دان
حصن شماخیش حرم، کعبه سرای تازه بین
(همان: ۴۵۹)

تشبیه

خود دل و طبع او ز سیم و شکر
کان طمغاج و باغ شوستر است
(همان: ۸۶)

تشبیه - لف و نشر

پیش من لاف ز شونیزیه، شو نیز مزن
دست من گیر و به خاتونیه بسیار مرا
(همان: ۳۹)

جناس

در میان سنگلاخ مسلخ و عمره ز شوق
خار و حنظل گلشکرهای صفاهان دیده‌اند
(همان: ۹۲)

تشبیه

خه خه آن ماه نو ذوالحجه کز وادی عروس
چون خم تاج عروسان از شبستان دیده‌اند
(همان: ۹۲)

جناس

ها ره واقصه، واقصه ان ره شویم
که ز برکه اش برکه بر که سینا بینند
(همان: ۹۶)

جناس

گرد سپهت به نهرواله
سهم تو به نهروان بینم
(همان: ۲۷۰)

کنایه - اغراق

بسی نماند که بیروح در زمین ختن
سخن سرای شود چون درخت در وقواق
(همان: ۲۳۴)

تشبیه - مضمون سازی

هر آمان کان هرمان یافت بصد قرن، کنون
زین قران حاصل اقران بخراسان یابم
(همان: ۲۹۸)

جناس

داو کمالتم تمام با قمران در قمر
حصن به غایت فزون از هرمان در حرم
(همان: ۲۶۴)

موازنه

همچون هرمان حصار عمرت
محتاج به پاسبان مبینام
(همان: ۵۱۴)

تشبیه

آفتاب مشتری حکم و سپهر قطب حلم
زیر دست آورده مصری مار و هندی اژدها
(همان: ۲۰۰)

استعاره - مراعات نظیر

مرکب دین که زادهٔ عرب است
داغ یونانش بر کفل منهد
(همان: ۱۷۲)

تشبیه - مراعات نظیر

فلسفی فلسی و یونانی همه یونی ارزند
نفی این مذهب یونان به خراسان یابم
(همان: ۲۹۷)

جناس

تیغ تو عذرای یمن، در حلهٔ چینیش تن
چون خردهٔ در عدن بر تخت مینا ریخته
(همان: ۳۸۰)

مقایسهٔ اشعار ناصر خسرو و خاقانی به لحاظ به کارگیری اعلام جغرافیایی در شگردهای بلاغی

* مضمون‌های با اعلام جغرافیایی در ابیات بررسی شده:

بررسی تحول مضمون سازی دو شاعر به عنوان نمودهای دو سبک مورد مطالعه:
شاعران در هر دوره‌ای، با توجه به موقعیتی که خود در آن قرار گرفته‌اند، استفاده از اعلام جغرافیایی را در دگرگون می‌کنند. آنان بر اساس احساسات و یا اطلاعات خود در مضمون سازی با اعلام، تحول ایجاد می‌کنند. به عنوان نمونه، در سبک عراقی، خاقانی با نام کشور هندوستان مضمون‌هایی می‌سازد از قبیل: هند معنی، طوطی هند و سپاه هندو، هندی اژدها، در حالی که شاعر سبک خراسانی، ناصر خسرو، هندوستان را نماد رنگ سپاه قرار می‌دهد.

نکته دیگری که در مورد تحول مضمون‌ها وجود دارد، این است که مضمون‌ها تحت تأثیر دین مبین اسلام تغییر یافته‌اند. در سبک عراقی اشاره به روایات و سرگذشت‌های بزرگان دین اسلام، بسیار جلوه می‌کند. در این سبک شاعران از اسامی اماکنی استفاده می‌کنند که بار معنوی و دینی دارند اما اسامی مکان‌هایی که در سبک خراسانی مورد استفاده قرار می‌گرفت تقریباً با همان مضامین در سبک عراقی نیز آمده است با این تفاوت که توجه به جزئیات و اطلاعات دقیق‌تر در این سبک همراه با آن اعلام بیشتر مشاهده می‌گردد.

از مجموع ۱۷۸ بیت بررسی شده از اشعار این دو شاعر، نتایج به دست آمده به شرح زیر است:

- تعداد اعلام جغرافیایی غیر تکراری، در ۸۲ بیت بررسی شده از شعر ناصر خسرو، ۶۴ مورد است و این تعداد در ۹۶ بیت خاقانی، ۹۶ مورد است که اگر بخواهیم نسبت آنها را به صورت درصد نشان دهیم، در شعر ناصر خسرو ۰/۷۸ و در شعر خاقانی ۰/۱۰۰ است و این نشان می‌دهد که کاربرد آرایه‌های ادبی در سبک عراقی بیش از سبک خراسانی است.

- در هر دو سبک بیشترین فراوانی مربوط به شهرها است.
- جز ترکستان و یونان که فقط در ابیات ذکر شده در سبک عراقی آمده‌اند بقیه اسامی کشورها در هر دو سبک مشترکند.

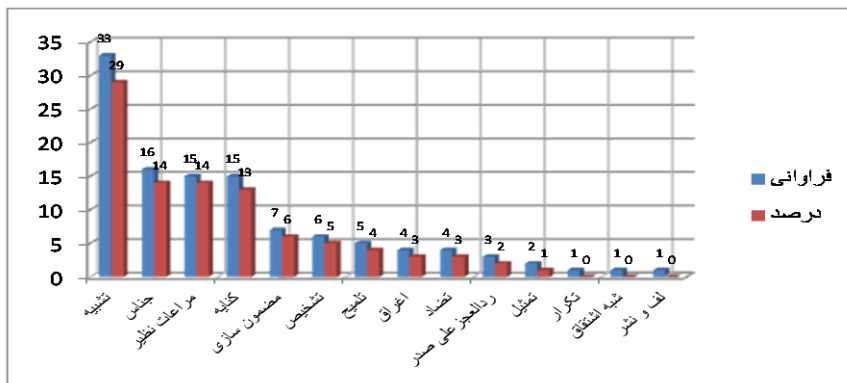
- دماوند تنها کوهی است که در ابیات بررسی شده در دو سبک خراسانی و عراقی آمده است و نام دیگر کوه‌ها در هر سبک متفاوت است. و تعداد کوه‌ها در سبک عراقی بیش از سبک خراسانی است.

- رودهای زم، سیحون و فرب، رودهایی هستند که فقط در ابیات بررسی شده در سبک خراسانی آمده‌اند و رودهای آتل، ارس، زمزم، گر و نیل فقط در سبک عراقی آمده‌اند.
- بحرین و بحر محیط، اسامی دریاها کلی ذکر شده در سبک عراقی‌اند. در سبک عراقی علاوه بر آنکه همچون سبک خراسانی از اسامی اعلام و خاص استفاده شده اسامی کلی نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

- منظور از مفهوم موارد دیگر، مواردی است که در دسته بندی‌های انجام گرفته جغرافیایی در این پژوهش قرار نگرفته‌اند از قبیل باغ‌ها، دشت‌ها، وادی‌ها، عمارت‌ها، محله‌ها و... که به علت پراکندگی و تعداد کم همگی در مفهوم موارد دیگر جا داده شده‌اند. در این بررسی مشخص گردید کاربرد این گونه اعلام جغرافیایی در سبک عراقی بیش از سبک خراسانی است.

نمودار شماره (۱)

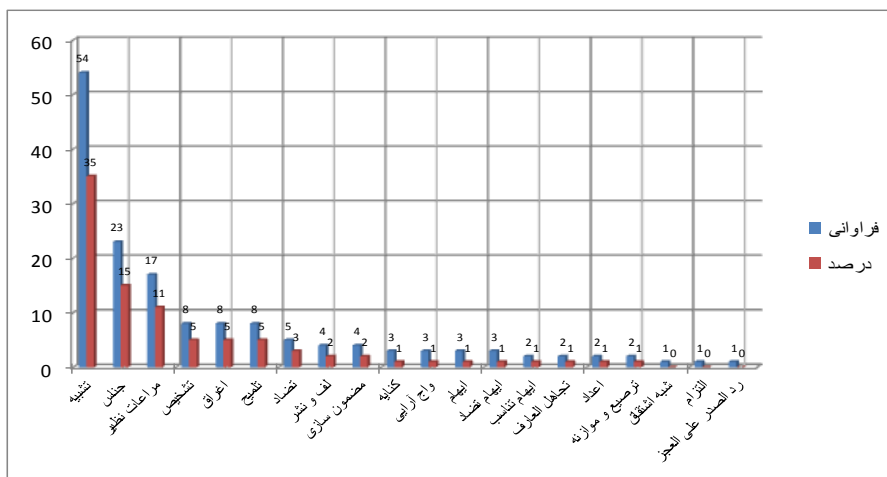
فراوانی و درصد آرایه‌های ادبی در شعر ناصر خسرو



● با توجه به نمودار بالا بیشترین درصد استفاده از صنایع ادبی در شعر ناصر خسرو به تشبیه سپس جناس اختصاص یافته است. مراعات نظیر در رتبه سوم قرار دارد. در ابیات بررسی شده، صنایع ادبی چون سیاقه الاعداد، اسلوب معادله، ضرب المثل و علاقه مورد استفاده قرار نگرفته است.

نمودار شماره (۲)

فراوانی و درصد آرایه‌های ادبی در شعر خاقانی



● چنانکه در نمودار بالا مشاهده می‌شود صنایع تشبیه، جناس و مراعات نظیر، همچون سبک خراسانی به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند. در سبک عراقی صنایع جدیدی بکار رفته که در سبک خراسانی (در ابیات بررسی شده) این صنایع دیده نمی‌شوند، صنایعی همچون: سیاقه الاعداد، التزام، انواع ایهام، تجاهل العارف، ترصیع و موازنه، شبه اشتقاق، واج آرایه.

منابع:

- اسدی طوسی، ابونصر علی، (۱۳۱۷)، *گرشاسب نامه*، تصحیح حبیب یغمایی، تهران.
- ثعالبی، نیشابوری، ابومن
صور، (۱۳۷۶)، *ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب*، ترجمه دکتر رضا انزابی نژاد، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن، (۱۳۶۳)، *دیوان اشعار*، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات توس.
- حافظ، شمس‌الدین محمد، (۱۳۲۰)، *دیوان اشعار*، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل، (۱۳۵۷)، *دیوان اشعار*، تصحیح سید ضیاء‌الدین سجادی، تهران، انتشارات زوار.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، *لغت نامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ژیلبر، لازار، (۱۳۴۲)، *اشعار پراکنده قدیمی‌ترین شعرای فارسی زبان*، تهران، انستیتو ایران و فرانسه.
- سجادی، سید ضیاء‌الدین، (۱۳۷۳)، *شاعر صبح*، تهران، انتشارات سخن.
- سجادی، سید ضیاء‌الدین، (۱۳۷۴)، *فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی شروانی*، تهران، انتشارات زوار.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین، (۱۳۳۹)، *کلیات سعدی*، تصحیح فروغی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۶۶)، *صورخیال در شعر فارسی*، تهران، انتشارات آگاه.
- غلامرضایی، محمد، (۱۳۷۷)، *سبک شناسی شعر پارسی*، تهران، انتشارات جامی.
- قبادیانی، ناصر خسرو، (۱۳۶۸)، *دیوان اشعار*، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کزازی، میرجلال‌الدین، (۱۳۶۸)، *رخسار صبح*، تهران، نشر مرکز.
- ماهیار، عباس، (۱۳۷۶)، *گزیده اشعار خاقانی*، تهران، نشر قطره.
- محبوب، محمد جعفر، (۱۳۴۵)، *سبک خراسانی در شعر فارسی*، تهران، انتشارات سازمان تربیت معلم.
- محقق، مهدی، (۱۳۶۸)، *تحلیل اشعار ناصر خسرو*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- معدن کن، معصومه، (۱۳۷۲)، *بزم دیرینه عروس*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- معین، محمد، (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیر کبیر.